

پاکسی و خطر

تحلیلی از مفاهیم ناپاکی و تابو

میری داگلاس

ترجمه

لیلا اردبیلی



سرشناسه: داگلاس، مری Douglas, Mary

عنوان و نام پدیدآور:

پاکی و خطر: تحلیلی از مفاهیم ناپاکی و تابو / مری داگلاس: مترجم لیلا اردبیلی.

مشخصات نشر: تهران: لوگوس، ۱۴۰۰

مشخصات ظاهری: ۲۷۱ ص، ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۲۸۸-۷۲-۹

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

یادداشت: Purity and Danger An Analysis of the Concepts of Pollution and Taboo, c1966

یادداشت: کتابنامه: ص. ۲۵۵-۲۷۱.

عنوان دیگر: تحلیلی از مفاهیم ناپاکی و تابو

موضوع: تابو Taboo

موضوع: طهارت -- آیین‌ها Purity, Ritual

شناسنامه افزوده: اردبیلی، لیلا، ۱۳۶۱ -، مترجم

رده‌بندی کنگره: GN۴۷۱/۴

رده‌بندی دیویی: ۳۹۰

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۷۵۷۰۹۰۵

پاکی و خطر: تحلیلی از مفاهیم ناپاکی و تابو
مری داگلاس: ترجمه خانم دکتر لیلا اردبیلی

طراح جلد: مانی خنیاگر

ویراستار: مهدی وجدانی

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۲۸۸-۷۲-۹

شمارگان: ۴۰۰

چاپ اول: ۱۴۰۰



برای مشاهده قیمت و اطلاعات بیشتر کد فوق را اسکن کنید

یا به وبسایت نشر لوگوس مراجعه نمایید.

تمامی حقوق این اثر محفوظ است. تکثیر یا تولید مجدد آن کلاً یا جزئاً، به هر شکل اعم از چاپ، فتوکپی، اسکن، صوت، تصویر یا انتشار الکترونیک بدون اجازهٔ مکتوب از نشر لوگوس ممنوع است.

ایمیل: info@irlogos.com

تماس با مرکز پخش: ۰۹۰۲ ۱۵۴۰۰۴۲

فروشگاه برخط لوگوس: www.irlogos.com

فهرست

۱.....	قدردانی
۵.....	مقدمه مترجم
۱۱.....	مقدمه
۱۹.....	۱. ناپاکی آیینی یا نجاست
۴۹.....	۲. ناپاکی عرفی
۶۵.....	۳. نجاسات در کتاب لاویان
۸۹.....	۴. جادو و معجزه
۱۱۱.....	۵. جهان‌های مردم بدوی
۱۴۱.....	۶. قدرت‌ها و خطرها
۱۶۹.....	۷. مرزهای بیرونی
۱۸۹.....	۸. مرزهای درونی
۲۰۳.....	۹. نظام در منازعه با خود
۲۲۷.....	۱۰. از هم گسستن نظام و احیای آن
۲۵۵.....	فهرست منابع

مقدمه مترجم

خطای دکارت جدا کردن بدن از ذهن بود؛ رواج دوگانه ذهن-بدن در علوم انسانی باعث شد که مطالعه بدن و ویژگی های مرتبط به آن (مانند عواطف و احساسات) چند قرن به تعویق بیفتد و تازه در اوایل قرن بیستم بود که به وسیله آموزه های فیلسوفانی مانند مرلوپونتی و ویکو این مرزبندی بدن و ذهن شکسته شد و بدن در نقش نظامی از نشانه ها و نمادهایی مطالعه شد که ساختارها و مناسبات اجتماعی در آن بازنمایی می شود؛ و به این ترتیب بود که استعاره بدن به منزله نماد شکل گرفت.

بعد از انقلاب شناختی در علوم انسانی در دهه ۱۹۷۰ این نگاه به بدن حتی پا را از این فراتر نهاد و با بالا گرفتن مباحثی مانند بدن مندی شناخت، اندیشمندان به این درک و دریافت رسیدند که تلقی متفاوت مردمان از بدنشان در فرهنگ های مختلف بر شناخت آنان از جهان اطرافشان تأثیر می گذارد. به عبارت دیگر، این دسته از اندیشمندان در تحقیقات خود بر نقش بدن در بستر مندی و قالب بندی شناخت در درون بافت فرهنگی و اجتماعی تأکید بسیار کرده اند. حتی آن دسته از شناخت گرایانی که به دنبال شواهد جهان شمول گرایی در شناخت هستند و واحد تحلیل خود را نه «موجود اجتماعی» بلکه «انسان» می دانند، در کارهای خود به این نتیجه رسیده اند که تبدیل شدن انسان به

موجودی راست قامت، دریافت های حسی او از جهان و از این رو، شناختش درباره آن را تغییر داده است؛ حتی برخی پا را از این فراتر گذاشته و مدعی شده اند که ما فقط در خلال تجربه بدن مندمان است که می توانیم به دانش، فهم، اندیشه و منطق دست یابیم و اگر بدنی نباشد، ذهنی هم نخواهد بود. اما آنچه برای انسان شناسان اهمیت دارد این است که چه رابطه ای میان بدن و جامعه در فرهنگ های مختلف وجود دارد، چگونه بدن بر جامعه، و جامعه بر بدن تأثیر می گذارد و جامعه چگونه در بدن، و بدن در جامعه بازنمایی می شود. آنچه مری داگلاس در کتاب پاکی و خطر می کوشد آن را نشان دهد.

البته باید توجه داشت که داگلاس وابسته به مکتب فرهنگ و شخصیت است و در زمان نگارش این کتاب، نظریه های شناختی (مانند بدن مندی شناخت) چندان وارد مطالعات محققان انسان شناس نشده بود و از همین روست که می بینیم داگلاس در این کتاب عمدتاً درباره بازنمایی فرهنگ و جامعه در بدن سخن گفته است و توجه خاصی به تأثیر بدن بر فرهنگ نداشته است. از آنجا که این رابطه از نوع دیالکتیک است ما را بر آن می دارد که برای درک بهتر رابطه بدن و جامعه (حتی در عصر علوم شناختی) به این کتاب کلاسیک توجهی خاص داشته باشیم، و آن را صرفاً مانند یک کتاب کلاسیک انسان شناسی در بخش کتاب های مرجع کتابخانه خود قرار ندهیم، بلکه آن را کتابی بدانیم که باید ما را به تأمل درباره تأثیر تلقی از بدن در فرهنگ و جامعه وادارد. به بیان دیگر، چگونه فهم ما از بدن که در بستر فرهنگ شکل می گیرد بر شناخت ما از محیط اطرافمان و نحوه مقوله بندی ما تأثیر می گذارد. در واقع، امروزه در مباحث روان شناسی اجتماعی، نشانه شناسی و به خصوص انسان شناسی شناختی این کتاب در صدر طرح درس های دانشگاهی مربوط به ماهیت بدن مندی شناخت قرار دارد، آنچه انگیزه اصلی من در ترجمه این کتاب بوده است.

یکی دیگر از مباحث مطرح در این کتاب که می تواند برای مخاطبان علاقه مند به مباحث شناختی و بدن مندی شناخت مهم باشد بحث مقوله بندی است. امروزه دیگر کسی تردید ندارد که ذهن انسان برای درک پدیده های جهان اطرافش و مفهوم سازی از آنها ناچار به مقوله بندی است. در واقع، مقوله بندی یکی از توانایی های همگانی انسان هاست و فرایندی است که با آن، امور مجزا همچون اموری معادل و هم تراز در یک طبقه قرار

می گیرند. اما از منظر انسان شناختی نکته قابل تأمل در مورد این توانایی ذهنی آن است که افراد در فرهنگ های مختلف، پدیده ها و تجربه های گوناگون را به شیوه های متفاوتی مقوله بندی می کنند. چنان که از عنوان کتاب نیز برمی آید مهم ترین دغدغه داگلاس آن است که چگونه افراد باتوجه به بسترهای اجتماعی و فرهنگی خود دست به مقوله بندی هایی مانند «پاکی / ناپاکی» می زنند؛ در واقع، آنچه از منظر ناپاک بودن «امری خطر» به نظر می رسد کاملاً امری موقعیت مند و وابسته به فرهنگ است، بینشی که مجدداً به انسان شناسان کمک می کند در مسیر «شناخت و درک دیگری» گام بردارند.

به این ترتیب، می توان ادعا کرد که نه تنها جامعه بر آنچه وارد ذهن ما می شود تأثیر می گذارد، بلکه شیوه ای که جهان در ذهن ما سازمان می یابد متأثر از جامعه و فرهنگی است که در آن زندگی می کنیم. در واقع، جامعه بر شیوه ای که ما جهان را مقوله بندی می کنیم تأثیر می گذارد. و این ها همگی نشان می دهد که مقوله بندی کنشی اجتماعی است که ما نه در مقام فرد یا انسان، بلکه در نقش موجوداتی اجتماعی اقدام به انجام آن می کنیم.

ناگفته پیداست یکی از حوزه هایی که مقوله بندی ها به امری حیاتی و البته خطرناک تبدیل می شود حوزه دین است. دین جایی است که عملاً مفاهیم ما از پاکی، ناپاکی و آلودگی در آغاز در آنجا به وجود آمده است، خیلی پیش از آنکه این مفاهیم تداعی گر بهداشت باشد. یکی از ویژگی های شناختی متمایز در دین شیوه متصلبی است که معمولاً بر اساس آن، جهان را به دو بخش «ناسوتی» و «لاهوئی» تقسیم می کند و آنها را اموری ناسازگار باهم محسوب می کند. از همین روست که در اماکن مقدس و اعیاد مذهبی با ممنوعیت های متعددی در زمینه برقراری تماس، و حتی نگاه کردن مواجه هستیم و مکان ها و موقعیت هایی که در آنها تلاش می شود امر لاهوتی را از «آلوده شدن» توسط امر ناسوتی محافظت کنند. در واقع، دین حوزه ای است که واضح تر از هر جای دیگر مقوله بندی ها همچون امری بیرونی و نیرویی خارجی و قدرتمند خود را بر ما تحمیل می کند و بین مقوله هایی مانند حلال / حرام، پاک / نجس، خوردنی / نخوردنی، پوشیدنی / پوشیدنی و غیره تمایز قائل می شود و به واسطه این دوگانه ها حتی خودی / دیگری تعیین

۸ | پاکی و خطر: تحلیلی از مفاهیم ناپاکی و تابو می‌شود.

اما در اینجا این سؤال پیش می‌آید که این دوگانه‌ها چگونه با توجه به بحث مقوله‌بندی به وجود می‌آید؟ پاسخ قابل تأملی که داگلاس در این باره به ما می‌دهد این است که بسیاری از این دوگانه‌ها در مرز بین مقوله‌ها شکل می‌گیرد. برای مثال، داگلاس معتقد است که «اصل بنیادین پاکی در مورد حیوانات این است که آنها باید به طور کامل با طبقه‌شان تطابق داشته باشند» و گونه‌هایی که جزو اعضای ناقص مقوله‌شان هستند و در مرز بین مقوله‌ها زندگی می‌کنند جزو موجودات ناپاک طبقه‌بندی می‌شوند. برای مثال، در سفر پیدایش به مؤمنان می‌گویند که ماهیان بی‌فلس یا بدون باله جزو حیوانات نجس و نخوردنی است. در مذهب شیعه و دین اسلام هم خوردن حیواناتی مانند اردک ماهی، یا مارماهی از این رو حرام یا مکروه است که در هیچ یک از دو مقوله‌ای که اردک/مار و ماهی به آنها تعلق دارد جای نمی‌گیرد و نمی‌توان آنها را از نظر ظاهری در یک مقوله مشخص قرار داد؛ پس این موجودات جزو نخوردنی‌ها طبقه‌بندی می‌شود، زیرا به نوعی نشان‌دهنده بی‌نظمی است. داگلاس با ذکر این نمونه‌ها از ادیان مختلف به خوبی نشان می‌دهد که این سیستم نظم و مقوله‌بندی است که پاکی و ناپاکی را مشخص می‌کند و از آنجا که ذهن بشر از بی‌نظمی و آشفتگی گریزان است، مواردی که تداعی گر ناپاکی است اموری خطرناک محسوب می‌شود.

نکته مهم دیگر در مورد اندیشه داگلاس آن است که او نیز مانند سوسور، سلف ساخت‌گرای خود، نگاهی نظام‌مند و شبکه‌ای به ارتباط نشانه‌ها/نمادها دارد؛ او در جایی از کتاب بیان می‌کند که ناپاکی به منزله یک نماد بیانگر وجود یک نظام است و زمانی که مناسبات میان نشانه‌ها در فرهنگ تغییر کند باید انتظار تغییر در رابطه میان سایر نشانه‌ها را نیز داشت، امری که گاه در مطالعه فرهنگ‌های دیگر با آن مواجه می‌شویم. و همین ماهیت نظام‌مندی و شبکه‌ای بودن روابط میان نشانه‌ها و نمادهاست که تفاوت‌های میان امر مقدس، امر پاک و ناپاک در جوامع و زمان‌های مختلف را رقم می‌زند. در واقع، داگلاس معتقد است که پدیده‌ها، اشیا و افراد - به‌طور کلی - پاک یا ناپاک نیستند، بلکه ناپاکی آنها به موقعیتشان در درون نظامی از معانی و نمادها وابسته است.